

بمناسبت آغاز هشتمین سال نبرد خونین در :

## الجزائر

### سوزین قهرمانان اسلام

«المسلمون اخوة ؛ تتكافى دمائهم. وهم يدعى من سواهم» (پیغمبر اسلام-ص)  
مسلمانان همه باهم برادرند؛ خون همه آنان محترم است و همه ، دست واحدی برضد دشمنانند .

ملت اسلامی زنده- از الجزائر چه میدانید؟  
- نقش اسلام در انقلاب الجزائر - جنایات  
فرانسه - احزاب و جمعیت های اسلامی -  
جبهة التحرير چرا وجود آمد؟

### ملت اسلامی زنده

صدوسی و یک سال پیش ، در شمال آفریقا گوشه ای از سرزمین اسلامی عزیزما ، مورد تجاوز دولت ذورگومی قرار گرفت ؛ و از آن روزیکه بتوسط نیروهای استعمارگراشغال گشت در آن سرزمین انقلابی بیاشد . . . انقلابی برضد ظلم و ستم ، استعمار و استثمار ، اجحاف و آدمکشی ؛ تمدی و تجاوز ، قتل و جنایت . . .

انقلابی برای آزادزیستن و ازنجیر استعمار نجات یافتن . . . آتش این انقلاب بدست ملت اسلامی زنده ای روشن گشت و روز بروز بر دامنه آن افزود ، تا اینکه در عرض هفت سال گذشته در حدود یک میلیون نفر شهید داد تا دنیا بداند که در قرن بیستم نیز ملت اسلامی زنده ای وجود دارد که میخواهد آزاد و مستقل باشد .

دو عرض هفت‌سالیکه گذشت ، ملت اسلامی قهرمانی ؛ برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خود ، مردانه بپاخواست ، اسلحه بدست گرفت و قهرمانانه جنگید ؛ و در میان آتش و خون ، و در زیر کبار مسلسل و بمباران دشمن با کمال شهامت استقامت و وزید و بنبرد خونین آشتی ناپذیر خود ادامه داد .

آری هفت‌سال تمام است که ملتی دلیر و مسلمان ؛ با وسایل جنگی ساده‌ای که از خود دشمن بدست می‌آورد ، بجنگ استعمارگر متجاوز و زنی رفته که از طرف هم پیمانهای مسیحی خود ، همه گونه کمک و مساعدت لازم را دریافت میدارد ، و برای کوییدن و تارومار کردن ملت قهرمان و استقلال طلبی ، از آخرین سلاحهای جنگی استفاده میکند و حتی مردم غیر نظامی وی اسلحه‌ها و دهات را جلور کبار مسلسل در و در زیر بمب و دندانه چرخهای تانک نیست و نابود می‌سازد .

این ملت دلیر و برادر ، ملت مسلمان الجزائر ، و این استعمارگر مستمگر و خونخوار استعمار مرتجع و فرسوده فرانسه است . . . .

گومی لذت شراب شامپانی و کنیاک ، وقتی باشک چشم و ناله پیر زنان و کودکان الجزائری و خون جوانان قهرمان این سرزمین بهم آمیخته شود ، لذت و مستی کثیف و تنگین کسانی را که هنوز در افکار ارتجاعی و منحط آنان واقع بینی و حقیقت جوئی راه نیافته و هنوز در قرن ما ، قرن ملتها ، نیز همانند یک قرن پیش ، طرز فکر غلط و دیپلماسی نادرستی را تعقیب میکنند ، دوچندان میکند ؛ . . . ولی چه توان انتظاری داشت ؟

سرمایه‌داران و سیاستمداران مرتجع فرانسه ، برای استفاده بیشتر از معادن نفت و بوتاس و آهن و مس ، و بهره برداری کاملتر ، از کارخانه های شراب‌سازی که در سراسر الجزائر ساخته‌اند ، با کمال بیرحمی یازده میلیون نفر از برادران و خواهران ما را از ابتدائی ترین حقوق انسانی ، محروم ساخته و بانبروهای مسلح با مدرن ترین سلاحها ، بی‌واهمه آنها را میکشند و نابود می‌سازند و حتی بر زنان و کودکان و پیر مردان نیز رحمی نشان نمیدهند . .

مفهوم واقعی و معنی این امر ، آنست که دنیا بداند معنی دمکراسی و آزادی و تمدن و اعلامیه حقوق بشر و طرفداری از ملل ضعیف در مقابل کمونیسم متجاوز ؛ از نظر و منطق آنها چیست و در قاموس آنان چه معنایی دارد ؟ . . . تا همه بدانند ، و تاریخ نیز گواه باشد که ادعاهای دنیای آزاد درباره آزادی انسانیت ، حقوق مساوی ، طرفداری از استقلال ملل عقب افتاده و کمک بملل مظلوم ، دروغ بوده و ماسک جدیدی برای ادامه استعمار و استثمار بوده است . . .

## از الجزائر چه میدانید ؟ :

الجزائر که جزئی از مغرب عربی است بین تونس و لیبی از مشرق و مراکش و موریتانیا از مغرب و دریای مدیترانه (بحر ابيض) از شمال و سودان فرانسه از جنوب واقع شده است .

مساحت الجزائر، برخلاف آنچه که « هاری . و . هازارد » مشاوران جغرافیایی امریکادر امور خاورمیانه ، مینویسد (۱) در حدود ۲/۲۵۰ / ۰۰۰ کیلومتر مربع (چهار برابر فرانسه و یک مقابل و نیم ایران ! ) بوده و جمعیت آن ۱۲ میلیون نفر است که از این رقم در حدود ۸۵۰ / ۰۰۰ نفر اروپایی ( فرانسوی ، ایتالیایی ، اسپانیایی و . . ) بوده و بقیه مردم همه عرب زبان و مسلمان هستند و هر سال برای این عده ۳۰۰ / ۰۰۰ نفر افزوده میشود و روی این حساب پس از تقریباً نیم قرن ، سکنه الجزائر دو برابر خواهد بود .

تاریخ الجزائر بسیار طولانی است و ما امیدواریم که در آینده مفصلاً درباره آن سخن بگوئیم ؛ ولی در اینجا ناگزیریم که اشاره اجمالی بتاریخ این سر زمین عزیز اسلامی بنمائیم و سپس آنچه که امروز در آن سامان میگردد ؛ اشاره کنیم :

الجزائر قبل از سال ۱۸۳۰ میلادی دولت مستقلی بود که زیر نظر یک نفر که «دای» نامیده میشد با کمک و همکاری «دیوان عالی» که بمنزله هیئت وزراء بود ، اداره میشد و سه استان بزرگی که الجزائر بآن تقسیم شده بود ، هر کدام حاکمی که «دای» میگفتند ، داشت .

در سال ۱۸۳۰ - م ، استعمار فرانسه ، برای توسعه مستعمرات آفریقای خود ؛ به الجزائر تجاوز کرد .. اما درست در همانسال شیخ عبدالقادر قهرمان الجزائری علیه نیروهای متجاوز قیام کرد و ۱۷ سال تمام با نیروهای اشغالگر جنگید .

تاریخ انقلابهای ضد استعماری الجزائر را فهرست وار میتوان چنین بیان نمود :

سال ۱۸۳۰ - ۱۸۴۷ م انقلاب «شیخ عبدالقادر» .

۱۸۴۵ - ۱۸۴۷ شورش «ابومعز» در کوههای ظهره .

(۱) هازارد در صفحه ۲ «اطلس تاریخ اسلامی» عبدآباسهوا الجزائر را اینطور

معرفی میکند : مساحت : ۲/۱۹۱ / ۴۰۰ کیلومتر مربع . جمعیت : ۹/۳۰۰ / ۰۰۰ نفر که از این عده هم فقط ۸۸ درصد را مسلمان معرفی میکند ؛ ولی چنانکه نشریات «جبهه-التحریر الوطنی الجزائریه» حاکمست ، ابن ارقام صحیح نیست و ما با استفاده از آثار هم صحیح مساحت و نفوس را نوشتیم .

سال ۱۸۵۲-۱۸۵۴ انقلاب «محمد بن عبداللہ» در جنوب و این انقلاب مدت ۲۰

سال بواسطه پیروی «سیدی سلیمان» ادامه یافت .

سال ۱۸۵۱ - ۱۸۵۴ انقلاب «ابو بقله» در منطقه قبایل .

> ۱۸۵۷ انقلاب «لالا فاطمه» در منطقه جرجرة .

> ۱۸۵۹ انقلاب «بنی سنان» در مرز مراکش .

> ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴ انقلاب اولاد «سیدی شیخ» در جنوب .

> ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ انقلاب مہسی برہیری «مقرانی» و «شیخ حداد» .

> ۱۹۱۶ انقلاب «اوراس» .

و پس از این انقلابات کہ اغلب بعلت تجهیزات کامل نیرو های فرانسوی ، منجر بشکست میشد ، مبارزه منفی و نبردهای کوچک محلی بر ضد استعمار ، ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۴۵ انقلاب عظیمی در منطقه «قسنطنیہ» رخ داد و فرانسویها برای خاموشی آتش آن ۴۵/۰۰۰ نفر را کشتند (۱) .

و سرانجام در اول نوامبر سال ۱۹۵۴ م؛ ملت الجزائر ، برہیری «جبهة التحرير الوطني الجزائرية» (جبهہ آزادیبخش الجزائر) از سراسر الجزائر بپاخواست و بنبرد خونین و دامنداری دست زد و اخیراً پایان هفتین سال آنرا جشن گرفت .

### نقش اسلام در انقلاب ؟ :

ملت برادر الجزائر ، کہ بہ پیروی از تعلیمات اجتماعی اسلام ، در راه طرد قطعی و ابدی استعمار مردانہ بپا خواسته و مردانہ هفت سال تمام است می جنگد و تا حصول پیروزی نہائی ہم همچنان خواهد جنگید ، ملت مسلمانی است و از منبع لایزال «اسلام» الهام میگيرد (۲) .

فرانسه برای نابودی این ملت اسلامی ، راهی بہتر و کاملتر از آن ندید کہ در شمال افریقا ؛ با اسکان گروه زیادی اروپائی مسیحی ، «آفریقای لاتینی!» و «الجزائر فرانسوی!»؛ درست کند و بدینوسیله «اسلام» تنها نیروی الهامبخش مردم الجزائر را از بین ببرد .

کاردینال «لاوژر» گزارش خود را در این بارہ چنین اعلام داشت : « برای ما

(۱) الجزائر المجاهدة نشریہ جبهة التحرير ص ۱۰ .

(۲) : رئیس جمهوری امریکا در کتاب خود باین حقیقت بزرگ اعتراف میکند کہ

ملتی را کہ از تعلیمات اسلامی برخوردار است نمیتوان استعمار نمود . (تفصیل در شماره آینده)

ضروریست که این ملت را از «قرآن» نجات و آزادی دهیم و لااقل کودکان و جوانان را از هم اکنون بر مبنای جدیدی تربیت کنیم و انجیل را با نهضت دهیم» (۱).

فرانسه برای اجرای این هدف ضد اسلامی، نخست تعلیمات اسلامی را در مدارس ممنوع ساخت و بسیاری از مساجد را در شهرهای معروف به «کلیسا» و یا «سربازخانه» تبدیل نموده است، که هر کس گذری بالجزایر بنماید؛ این وضع اسف انگیز و رقت بار را برای العین خواهد دید.

### احزاب و جمعیت‌های اسلامی

در الجزایر جمعیت‌ها و احزاب اسلامی زیادی در یک قرن اخیر تشکیل شده که اغلب آنها بوسیله استعمار منحل و تارومار شده‌اند و بعضی دیگر بفعالیت‌های مخفی و زیرزمینی خود ادامه می‌دهند.

جماعة العلماء که ظاهراً بنظورهای صرفاً دینی تشکیل شده بود و روزنامه ای هفتگی بنام «البصائر» منتشر می‌ساخت، مبارزه دامن‌داری را علیه استعمار شروع کرد، ولی بلافاصله از طرف استعمار کوبیده شد و رهبران آن بکشورهای اسلامی پناهنده شدند و در جری که رجال انقلاب و سران جنبش آزادیبخش درآمده و به نبرد خود ادامه می‌دهند.

اتحادیه کارگران مسلمان: این اتحادیه یک تشکیلات کارگری وسیعی بود که برای استقلال و آزادی مبارزه می‌کرد.

سازمان دانشجویان مسلمان شمال آفریقا که یک سازمان دانشجویی مرکب از دانشجویان مسلمان بود.

و علاوه بر اینها سازمانهای مخفی اسلامی دیگری نیز در الجزایر وجود داشت که همه آنها پس از شروع انقلاب، برهبری جبهه آزادی بخش ملی، با این جبهه ائتلاف کردند و همه با هم، یکدل و یک زبان بر ضد استعماری جنگند (۲) و در واقع جبهه نیرومندی در داخل جبهه آزادیبخش هستند و رهبران آنها از سران جبهه بشمار می‌روند.

تنها حزبی که با جبهه آزادیبخش ائتلاف نکرده، حزب کمونیست الجزایر، برهبری «العربی یوهالی» است که چون انحلال خود را تاکنون اعلام نکرده، پیوستگی آن بجهه آزادی بخش بی‌تابه یک حزب، هنوز عملی نشده است.

(۱) : الجرائم البعامة، نشریه جبهه آزادیبخش ص ۱۲.

(۲) : برای مزید توضیح رجوع شود بکتاب: «الجرائم المریة، ارض الکفاح

## جنایات فرانسه در الجزائر :

در طول صد و سی و یک سالی که از اشغال الجزائر ؛ بوسیله نیروهای متجاوز فرانسه میگذرد ؛ چه جنایات و فجایعی در این سرزمین بوقوع پیوسته است ؛ درست معلوم نیست ؛ ولی مانوسه‌هایی از آنرا برای شما نقل میکنیم تا اجمالاً بر جنایات استعمار ، در گوشه‌ای از جهان اسلام پی ببرید .

« . . فرانسویان همه مردم یک شهر کوچکی را جمع کرده و بسوی بیابانی که آب و باتلاق داشت سوق دادند ، قبلانیز در آن با تالاقها نقت ریخته بودند ؛ وقتی که مردم ، اعم از زن و مرد ، کوچک و بزرگ ، با آنجا رسیدند ، همه را بسلسل بستند ، مردم بی سلاح و بی پناه خود را با آب و باتلاق انداختند ؛ ولی فرانسویها با تالاقها را آتش زدند ، و سرانجام معلوم شد که عده افرادی که کشته و یا غرق شده یا سوخته‌اند ۷۰ هزار نفر بوده است » (۱) .

علاوه بر کشتارهای دسته جمعی . و بیاباران دعات و اعدام افراد ارتش آزادیبخش شکنجه‌های ناجوانمردانه‌ای که فرانسویها بر ضد افراد ملی روا میدادند ، خاطره شکنجه‌های سازمان مغوف انگیز سیون را تجدید میکند ؛ مثلاً فرانسویها پوست سر « ابن المهدی » ( یکی از رهبران انقلاب ) را در الجزائر کردند ، ولی چون از اسرار انقلابیون را فاش نساخت ، میله آهنی را در آتش گذاختند و جلق او فرو بردند تا در گذشت ، و همچنین « ابومدین محمد » را از پا بسف آویزان کردند ، و وقتی که مخزن اسلحه مجاهدین را نشان نداد سر او را در آتش گذاخته‌ای فرو بردند ، تا جاییکه سوخت ، و « مصطفای محمد » را پس از شکنجه‌های غیر انسانی ، چون اقراری نکرد . با دینامیت منفجر و تکه تکه ساختند . . .

و مجاهد جوان « جلال احمد » را بدرختی بستند و یک بازویش را هم به ماشین جیبی بستند ، و چون در آن حال هم حاضر باقرار نشد ، جیب بحرکت درآمد و بازوی وی از بیخ کنده شد و وی پس از تحمل درد و عذاب ، در اثر خونریزی در گذشت . (۲)

اینها نمونه‌هایی از شکنجه‌های ضد انسانی است ، و رسوائی آن بجائی رسیده که حتی از خود فرانسویها مطالبی بر ضد این بیرحمیها منتشر ساخته‌اند که از آن جمله است کتابهای « المجدنون

(۱) : « الاسلام انطلاق لاجمود » تألیف دکتر شیخ مصطفی رافعی ، استاد دانشگاه

لبنان ص ۹۲ ط بیروت .

(۲) « حرب الإبادة فی الجزائر » نشریه جبهه آزادیبخش ص ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ .

یودون الشهادة» (سربازان شهادت میدهند) و «ضابطی الجزائر» (افسری درالجزائر) و «الشهادات المسيحية» (شهادتهای مسیحی)؛ و «ضد اعمال التعذيب» (برضد شکنجه) و همچنین جرائد فرانسوی از قبیل روزنامه «اکسپرس» و مجله «اسپری» که برده از روی جنایات فرانسویان درالجزائر برداشته اند.

### جبهه التحریر چرا وجود آمد؟

امروز در الجزائر ۶۰۰/۰۰۰ سرباز فرانسوی و ۱۸۰/۰۰۰ نفر از مأمورین ژاندارمری و پلیسی برای ایجاد صلح و امنیت؛ همه بحالت آماده باش بسر میبرند و یک نلک نیروی دریایی و یک نلک نیروی هوایی فرانسه هم برای کمک و یاری سربازان و ۸۵۰/۰۰۰ نفر اروپائیان مسلح مقیم الجزائر؛ مشغول کارند (۱).

سرمایه داران فرانسه شرکتها و تراستهای نفتی، کارتلها، صاحبان سهام بانکها و معادن درالجزائر برای حفظ منافع نامشروع خود حاضرند که ششصد هزار سرباز و دو بیست هزار نیروی انتظامی؛ رادرزیر اسلحه و بحالت آماده باش نگهدارند تا اگر مردم استعمار کشیده جنبشی کنند، آنها را بکوبند و نابود سازند.

در طول تاریخ استعمار الجزائر، نمونه های فحشی از این روش ضد انسانی بچشم میخورد که برای هر انسان باشرقی تحمل آن مشکل است، روی این اصل تمام احزاب سیاسی و اسلامی با همدیگر ائتلاف کردند و برای پایان دادن به سرمدوسی و یکساله استعمار تجاوزکار و مرتجع فرانسه متحد شده و «جبهه التحریر الوطنی الجزائری» را تأسیس کردند و همه باهم اسلحه بدست گرفته و «جیش التحریر» را بوجود آوردند که اینهمه سرباز و نیروهای انتظامی؛ نتوانست در مقابل آنها مقاومت کند و فرانسه مجبور شد که همه اروپائیان مقیم الجزائر را نیز با انواع سلاحها، مجهز کند، تا بتوانند در مقابل اداة ملتی مسلمان ایستادگی کنند و بپهره برداری ظالمانه خود ادامه دهند و دسترنج مستمندان و خون دل زحمتکشان الجزائر را بغارت ببرند و بیاشامند؛

اما باید گفت که دیگر خیلی دیر شده است و در مقابل خواست و اراده چنین ملتی، هیچ نیروی امری و استعماری هر چند هم قوی و تازه نفس باشد، توان مقاومت ندارد و این مسئله ایست که تجربه های تلخ استعمار در بسیاری از سرزمینهای آفریقایی و آسیایی، آنرا اثبوت رسانده است. قسمت دوم این بحث را در شماره آینده مطالعه فرمایید.

(۱): الجزائر المجاهدة ص ۲۰ و مشاهدات من الثورة الجزائریة (نشریه جبهه